

دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

صص ۲۷۷-۳۰۲

## مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی

نوع مقاله: پژوهشی

پرویز احدی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

### چکیده

پژوهش حاضر به مطالعه و تشریح مولفه‌ها و عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قرن بیست و یکم می‌پردازد. در این پژوهش علاوه بر توضیح مولفه‌ها و عناصر یاد شده سعی شده است اهمیت و شیوه کاربرد این قدرت برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز تبیین شود. جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت حساس استراتژیک و ژئوپولیتیک خود ناگزیر است ضمن توجه و تقویت جنبه‌های مختلف قدرت سخت (توان نظامی و اقتصادی) به تقویت ابعاد قدرت نرم خود نیز بپردازد. ایران زمانی می‌تواند از قدرت نرم خود بهره‌بردار و به تقویت قدرت ملی خود دست یابد که استراتژی، راهبرد و نیز ارزش‌های مطلوب خود را به گونه‌ای ارائه دهد که از دو بعد ملی و فراملی از مولفه‌های تولید قدرت خود نهایت بهره‌برداری را به عمل آورد. اهمیت تقویت و به‌کارگیری قدرت نرم توسط دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن و گسترش ارتباطات بین‌جوامع بیشتر می‌شود. حال سئوالی که مطرح می‌شود این است که مهم‌ترین مولفه‌ها و عناصر قدرت نرم ایران در حوزه‌های فرهنگ و سیاست و دیپلماسی چه می‌باشند. سئوال دیگر این است که از این مولفه‌ها و عناصر به چه نحوی می‌توان برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد؟ در پژوهش حاضر سعی شده است به صورت علمی به این سئوال پاسخ داده شود.

**واژه‌گان کلیدی:** قدرت نرم، دیپلماسی، استراتژی، جمهوری اسلامی، سیاست خارجی.

۱- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

همزمان با ورود به هزاره سوم میلادی و به دلیل تغییر ماهیت سیاست های بین المللی، منابع قدرت نیز تحول یافته و اشکال نامحسوس قدرت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در واقع، تحول بستر قدرت در سیاست بین الملل موجب شده تا قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان داده و جوامع نیز قدرتمندی را نه در گروهی منابع صرفاً مادی، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت های دیگر به حساب آورند. این بعد از قدرت، چهره دوم قدرت و یا قدرت نرم<sup>۱</sup> خوانده می شود که محصول و برآیند کسب اعتبار بین المللی و تاثیر گذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران است. ابعاد نرم افزاری قدرت یا نرم افزار گرایی، اصطلاحی است که از دیدگاه جوزف نای<sup>۲</sup>، نظریه پرداز امریکایی در زمینه ضرورت بهره گیری ایالات متحده از منابع قدرت نرم گرفته شده است. مفهوم قدرت نرم را می توان در کارهای هانس جی مورگنتا<sup>۳</sup>، کلوس کنور<sup>۴</sup> و رای کلاین<sup>۵</sup> ردیابی کرد. اما همان گونه که در سال های اخیر جوزف نای آن را خلاصه کرده، قدرت نرم، دستیابی به آنچه می خواهید، از طریق جاذبه به جای تطمع است. این قدرت ناشی از جذابیت فرهنگ، آرمان های سیاسی و سیاست های یک کشور است. از نظر وی، قدرت نرم شامل تبلیغات، اما بسیار وسیع تر از آن است؛ چیزی بیش از تصویر ذهنی، روابط عمومی و محبوبیت زودگذر، یک قدرت بسیار واقعی، توانایی دستیابی به اهداف.

### ۱-۱- مفهوم قدرت نرم

مطابق تعریف «جوزف نای» قدرت، توانایی تحت تاثیر قراردادن دیگران برای دستیابی به نتایج مورد نظر است. از سه طریق می توان رفتار دیگران را تحت تاثیر قرار داد: تهدید

<sup>1</sup> Soft Power

<sup>2</sup> Joseph Nye

<sup>3</sup> Hans J. Morgenthau

<sup>4</sup> Klaus Knorr

<sup>5</sup> Ray Cline

به استفاده از زور (چماق)، استفاده از مشوق‌ها (هویج) و ایجاد جذابیت برای انجام کاری که شما به دنبال آن هستید یک کشور ممکن است فقط به این دلیل به اهداف خود در دنیا دست پیدا کند که کشورهای دیگر تمایل به دنبال کردن آن اهداف را داشته باشند، ارزش‌های آن را تحسین کنند، از آن کشور تقلید کنند و در نهایت آرزو داشته باشد تا روزی به جایگاه آن کشور برسند. (همشهری، ۹ شهریور ۱۳۸۷).

قدرت نرم و جذاب به همان اندازه قدرت سخت و تحکیم‌آمیز اهمیت دارد دو عنصر اصلی تشکیل‌دهنده قدرت نرم عبارت است از: اقناع و جذابیت و گیرایی. در صورتی که یک کشور کاری کند که قدرت آن در چشم دیگر کشورها مشروع جلوه کند، در مسیر پی‌گیری خواسته‌های خود با مقاومت کمتری روبرو خواهد بود. در صورتی که فرهنگ و ایدئولوژی آن کشور جذاب و گیرا باشد، دیگر کشورها با اشتیاق بیشتری از آن پیروی خواهند کرد. قدرت جذب‌کننده بدین معنا است که کاری انجام دهیم تا آنچه را که ما می‌خواهیم، دیگران نیز طلب کنند. جاذبه فرهنگی، ایدئولوژی، ارزش‌های سیاسی، دیپلماسی و نهادهای بین‌المللی را می‌توان جز منابع قدرت نرم به حساب آورد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۸).

## ۱-۲- گفتمان قدرت نرم

نای در مقدمه کتاب قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، مفهوم قدرت نرم را چنین تعریف می‌کند:

«قدرت نرم توانمندی نیل به مقصود از طریق جذب دیگران و نه تهدید و سرکوب یا تطمیع است. این قدرت جذابیت فرهنگ، ایده‌آل‌های سیاسی و افکار یک ملت است. هنگامی که در سیاست یک ملت از نظر دیگران توجه پذیر و جذاب باشد، قدرت نرم حاصل گردیده است»  
به نظر می‌رسد هدف از کسب قدرت، شکل دادن به محیط مطابق خواسته دارنده، قدرت

است. منطق قدرت نرم این است که غیر از فشار، تطمیع، سرکوب و سوق زورگویانه دیگران به آرایش محیط، مطابق خواسته اعمال گر قدرت می توان دیگران را از طریق هم فکر ساختن با دارنده قدرت به سوی هدف مورد نظر سوق داد. (نای: قدرت نرم: ۵).

از نظر نای منابعی که قدرت از آنها نشات می گیرند عبارتند از: فرهنگ (زمانی که دیگران را جذب کند)، ارزش ها (وقتی که در کاربرد آنها فریب کاری و تزویر نباشد)، سیاست های خارجی (زمانی که در چشمان بقیه مشروع جلوه نمایند). چنانچه این شرایط مهیا نباشد، فرهنگ و تفکرات الزاماً جدایی که برای حصول رفتار مبتنی بر قدرت نرم ضروری است حاصل نمی نمایند. میزان جذابیت نیز توسط نظرسنجی های عمومی مصاحبه های نخبگان و مطالعات موردی می تواند مورد سنجش قرار گیرد. (همان: ۵۴)

### ۱-۳- مبانی قدرت نرم

قدرت نرم از چه منابع، عناصر و مولفه هایی تشکیل شده است؟ قدرت، کلیدی ترین مولفه تعیین کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین الملل می باشد. از ابعاد بسیار مهم قدرت، بعد نرم افزاری آن می باشد که به ویژه در عصر جهانی شدن در دستور کار تمامی کشورها قرار گرفته است. در عصر حاضر تاثیر گذاری قدرت نرم به مراتب بیش از نوع سخت آن است و البته پیروزی در عرصه های گوناگون مستلزم به کارگیری هر دو نوع سخت و نرم قدرت در کنار یکدیگر قدرت هوشمند است. در حالی که منابع قدرت سخت عمدتاً مادی هستند، مانند قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی ولی منابع قدرت نرم عمدتاً اگر چه در مواردی از منابع قدرت سخت برای ظهور و بروز خود بهره می گیرند اما از جنس غیر مادی برخوردارند. برای مثال جذب قلوب و افکار عمومی هر چند ممکن است با بهره مندی از برخی ابزارهای سخت قدرت اتفاق بیفتد، اما اساساً از جنس قدرت نرم است. با این حال،

قدرت نرم را به سختی و البته با هزینه‌های گزاف می‌توان در اختیار گرفت، زیرا اساساً برخی از منابع مهم قدرت نرم خارج از کنترل حکومت می‌باشد و تاثیرات آن تابعی از میزان پذیرش افکار عمومی و مخاطبان است. هم‌چنین، منابع قدرت نرم اغلب به طور غیر مستقیم و با شکل دادن به محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امکان‌پذیر است که این امر نیازمند صرف سال‌ها وقت و برنامه‌ریزی و اجرا می‌باشد.

#### ۱-۴- نظریه و مفهوم قدرت نرم

سه راه عمده برای دستیابی به اهداف و منافع ملی یک کشور وجود دارد: اول استفاده از تهدید به اعمال قدرت و زور، دوم تطمیع کردن و سوم جذب کردن و همکاری به نحوی که آنچه را می‌خواهید انجام دهند. راه حل سوم که گویای شکل قدرت نرم است نسبت به دو راه حل دیگر همیشه کم‌هزینه‌تر است. بدین ترتیب، در سال‌های اخیر «نظریه قدرت نرم» در بسیاری از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مطرح شده است. براساس این نظریه، استفاده از قدرت سخت تنها وسیله در دسترس برای نیل به اهداف نیست. مفهوم اساسی قدرت نرم، چیزی بیش از صرف توانایی نفوذ بر دیگران است، بلکه توانایی جذب دیگران به نحوی که به آنچه می‌خواهید بدون ضرورت کاربرد قدرت سخت برسید. بنابراین، «قدرت نرم» واژه‌ای است که در نظریه روابط بین‌الملل به منظور توصیف قابلیت یک مجموعه سیاسی نظیر دولت برای نفوذ (عمدتاً غیر مستقیم) بر رفتار یا علایق سایر مجموعه‌های سیاسی از طریق ابزارهای (عمدتاً) فرهنگی یا ایدئولوژیکی به کار می‌رود. در نگاه نای، استراتژی معطوف به قدرت سخت به لحاظ آرمانی در راستای پیشبرد منافع ملی بر «مداخله نظامی»، «دیپلماسی قهری»، «تحریم‌های اقتصادی» تمرکز کرده‌اند که به اتخاذ سیاست‌های تقابلی با کشورهای دیگر منجر می‌شوند. در مقابل، استراتژی‌های معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه‌حل‌های

مشترک بر ارزش های سیاسی مشترک، ابزارهای مسالمت آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تاکید دارند. از این منظر، قدرت نرم ضرورتاً با توانایی نفوذ برابر نیست. نفوذ می تواند بر قدرت سخت، تهدید یا پاداش مبتنی باشد و قدرت نرم بیش از آن که ترغیب یا توانایی به حرکت در آوردن مردم از طریق بحث و استدلال باشد، توانایی جذب کردن است که اغلب به رضایت منجر می شود. بنابراین، براساس معیارهای رفتاری، قدرت نرم قدرت جذب کردن است و منابع آن نیز مقوله هایی هستند که چنین جاذبه هایی را ایجاد می کنند. با این حال، قدرت جذب کردن نمی تواند بدون توانایی نفوذ تحقق یابد و امکان پذیر گردد. (نای، پیشین: ۴۳).

در این جا به برخی دیگر از ویژگی های قدرت نرم اشاره می کنیم :

**الف) قدرت نرم سنتی است.** قدرت نرم هر کشوری برآمده از یک دوره تاریخی طولانی مدت است. شیوه تفکر مردم، ایدئولوژی، سنت فرهنگی، رسوم قومی، سیستم اجتماعی، رژیم اقتصادی، شیوه زندگی و... نتایج انباشتی روند تکاملی جوامع بشری می باشند. لذا مشخص است که قدرت نرم به لحاظ ماهیت تا حد قابل توجه ای سنتی است.

**ب) قدرت نرم قابلیت روز آمد شدن دارد.** قدرت نرم به عنوان یک قدرت غیرقابل لمس تنها زمانی که همسو با جریان اصلی زمانه باشد توسعه خواهد یافت؛ قدرت نرم با مطرح شدن ابزار و شیوه های گوناگون در جامعه جهانی و ظهور فناوری اطلاعات و رسانه های جمعی به یک ابزار پرنفوذ و پویا تبدیل شده است. بنابراین جوهره قدرت نرم به گونه ای است که قابلیت انطباق با شرایط و ساز و کارهای نوین را داشته و به واسطه استفاده از فناوری های جدید می تواند ضریب دست یابی به اهداف را افزایش دهد.

**ج) قدرت نرم گسترده می باشد.** قدرت نرم توانایی زیادی برای رقابت و گسترش دارد. با وقوع انقلاب اطلاعاتی و پیوند خوردن قدرت نرم با آن، این قدرت محدودیت‌های ناشی از مرزهای جغرافیایی، قومیت‌ها، زمان و فضا را پشت سر گذاشته و لذا دارای دامنه اثرگذاری بسیار گسترده‌ای شده است.

**د) قدرت نرم قابل تغییر است.** قدرت نرم یک موجودیت ایستا نبوده بلکه دارای یک فرایند پویاست. قدرت نرم یک سیستم تغییرپذیری است که شکل‌گیری و تغییر آن به حرکت دیالکتیکی عناصر گوناگون آن بستگی دارد. استراتژی ملی، اخلاق ملی، قدرت دیپلماتیک، قدرت آموزشی و فرهنگی و کیفیت حکومت به عنوان عناصر قدرت نرم به زمان کوتاه تری جهت صوری بندی و توسعه نیاز دارد. بنابراین عدم قطعیت و تغییرپذیری آن‌ها بیشتر است.

**ه) قدرت نرم وابسته است.** از ویژگی‌های اساسی قدرت نرم وابستگی آن به قدرت سخت است. از این رو کشورها برای رسیدن به یک قدرت ملی فراگیر باید هم‌زمان هم در جهت افزایش توان مادی و هم راستای ارتقای سطح قدرت نرم خود نیز فعالیت کنند، چرا که اگر نسبت به کسب قدرت نرم بی‌توجهی یا صرف‌نظر شود، حفظ توسعه پایدار با اتکای صرف به قدرت سخت بسیار دشوار خواهد بود.

## فرهنگ، ایدئولوژی، هویت و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

### ۱-۲- مفاهیم و چارچوب نظری

فرهنگ به عنوان موتور محرکه توسعه، زمینه‌ساز حرکت جوامع و الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با فروکش کردن چالش‌های ایدئولوژیکی، نقش

آن به عنوان پارادایم جایگزین، به تدریج اهمیت یافته است. از این رو نظریه های فرهنگی گوناگونی با هدف توضیح و تفسیر جایگاه فرهنگ در سیاست داخلی و خارجی و نیز در سطوح جهانی ظهور نمودند. پیش فرض اساسی نظریه های فرهنگی آن است که رفتار و کنش های انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران متأثر از الگوهای روابط اجتماعی و گرایش های فرهنگی است. این نظریه ها به دنبال شناخت زمینه ها، فرایند شکل گیری و بروز الگوهای رفتاری، ارزش ها، اعتقادات و ترجیحات ما در زندگی اجتماعی هستند، بنابراین معتقدند که از این طریق می توان رفتار سیاسی انسان را شناخت. (تراسبی، ۱۳۸۲: ۴۵).

در دوره معاصر، نظریه پردازی و تحلیل انتقادی درباره فرهنگ، تمدن و فرآورده های فرهنگی آن، از چشم اندازهای گوناگون، ادبیات گسترده ای را به وجود آورده است که عواملی چون: مهاجرت های گسترده و ارتباطات فرهنگی، آمیختگی فرهنگ با سیاست، اقتصاد، گسترش شبکه های ماهواره ای و ارتباطی با نقش رسانه ها در ترویج فرآورده های فرهنگی و ظهور اشکال مختلف فرهنگ، ضرورت مطالعات فرهنگی را مضاعف نمود. تا جایی که گسترش موج جهانی شدن فرهنگ، مقاومت هایی را از سوی خرده فرهنگ ها به همراه داشت، این مهم موجب شد رابطه میان فرهنگ و حوزه های مختلف از جمله قدرت و سیاست در سطح بین المللی هویدا شده و در کانون توجه محققان روابط بین الملل و سیاست بین الملل قرار گیرد. از این رو لازم است برخی از مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش از جمله فرهنگ و قدرت نرم تعریف عملیاتی گردد تا از آشفتگی و بحرانی که در حوزه مفاهیم وجود دارد رهایی یابیم.



## ۲-۲- فرهنگ و قدرت نرم

آنچه از مفهوم فرهنگ در این تحقیق مد نظر است، تعریف خاصی از فرهنگ که شامل بخش نرم افزاری یک تمدن می‌شود که مجموعه دانش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، طرز تلقی‌ها، آداب و رسوم که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه توسط انسان اکتساب می‌شود را در بر می‌گیرد. (بشریه، ۱۳۷۹: ۸).

در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل از واژه فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و آنچه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم بر می‌آید این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تاثیرگذاری غیر مستقیم همراه با رضایت بر دیگران و... می‌باشد. از این چشم‌انداز قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌هایی گفته می‌شود که با بکارگیری ابزارهایی چون فرهنگ آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین به نظر نای قدرت نرم (قدرت فرهنگی) زمانی اعمال می‌شود که یک کشور سایر کشورها را وادارد چیزی را بخواهند که خود می‌خواهد توانایی تاثیرگذاری به آنچه دیگر کشورها می‌خواهند، با منابع نامحسوس مثل فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها ارتباط دارد. (نای، قدرت نرم: ۱۰).

## ۲-۳- دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ها مهم‌ترین ابزار اعمال قدرت نرم در سیاست جهانی

با توسعه روابط بین‌الملل و افزایش تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، زمینه‌های جدیدی برای رفع مسالمت‌آمیز مناقشات و منازعات میان دولت‌ها و ملت‌ها پدیدار گشت و دیپلماسی به عنوان یک راه حل منطقی جایگزین توسل به زور گردید.

پرواضح است که با تحولات طبیعت دیپلماسی و روابط دیپلماتیک، با گذشت ایام و تجربه تحولات و انقلابات در عرصه نظام بین الملل، به نحو محسوس و ملموس دگرگون شده است و به موازات آن ابزارها و کارکردها و رفتارهای دیپلماسی نیز دست خوش تغییرات بنیادین گردیده است، زیرا روابط دیپلماتیک در چارچوب سنت قدیم تنها اهداف سیاسی را با تکنیک های مخصوص دیپلماسی سنتی تعقیب می کرد اما در دوره معاصر هدف دیپلماسی منحصر به حوزه سیاست نیست و ضرورت همکاری های اقتصادی، فرهنگی، علمی و فنی، ابزارها و نگرش های جدیدی را در حوزه دیپلماسی پدید آورده است. بنابراین، دیپلماسی فرهنگی امروزه در مناسبات بین المللی از جایگاه خاصی برخوردار است که به اعتقاد برخی صاحب نظران، افزایش و تسهیل ارتباطات بین فرهنگی، مهم ترین وظیفه دیپلماسی در دوره جدید است. (پورا احمدی، پیشین: ۳۳۳).

آنچه اهمیت موضوع را افزایش می دهد و سرعت و تاثیر این مهم را در عرصه سیاست جهانی ارتقا بخشیده است حضور رسانه ها و سیستم های ارتباطی جدید است. هنجارها، ایستارها و آموزه های اخلاقی در سنجش و ارزیابی الگوهای رفتارهای بین المللی حائز اهمیت است، از این رو فقدان استانداردهای لازم اخلاقی در عرصه سیاست جهانی، منازعات و سوء تفاهمات متعددی را در اشکال مختلف به وجود می آورد. فرهنگ سیاسی از سه عنصر ارزش ها، ایستارها و رفتارهای سیاسی در کشورها تشکیل می شود. ارزش های سیاسی عبارتند از: هنجارهای آرمانی شده از لحاظ سازماندهی و عملکرد نظام سیاسی و منظور از ایستارهای سیاسی: جهت گیری های افراد به سوی فرایند سیاسی است و هم چنین مراد از رفتار سیاسی، شیوه ای است که طی آن افراد و گروه ها ارزش ها و ایستارهای خویش را در وضعیت های بسیار غنی به کار می گیرند.

حال آنچه باعث توسعه تولیدات فرهنگی در عرصه جهانی می‌شود، رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید ارتباطی است. رسانه‌ها یکی از ابزارهای مهم در دیپلماسی فرهنگی هستند. برای مثال برخورداری برخی از کشورها مثل آمریکا از امکانات عظیم رسانه‌ای با توجه به کار ویژه متنوع آن‌ها در دیپلماسی فرهنگی نقش بسیار مهمی در تامین قدرت نرم برای این کشورها به دنبال داشته است. بنابراین دیپلماسی فرهنگی در رسانه‌ها دو ابزار اعمال قدرت نرم در سیاست جهانی تلقی می‌شوند.

## ۲-۴- فرهنگ بین‌المللی و سیاست خارجی: عناصر قدرت نرم

فرهنگ بین‌المللی عبارت است از ارزش‌ها و هنجارهای عامی که در طول زمان مورد پذیرش جامعه بین‌الملل قرار گرفته و دارای عملکردهای خاصی می‌باشند. تجلی این فرهنگ را می‌توان در چارچوب عملکرد رژیم‌های بین‌المللی و در قالب هنجارها، مقررات قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی مشاهده کرد. آنچه این فرهنگ را غنی‌تر می‌کند، هنجارها و ارزش‌های مشترک بین جوامع است که از طریق دستگاه سیاست خارجی کشورها در مناسبات و تعاملات بین‌المللی خود را نشان می‌دهد.

بنابراین، دستگاه سیاست خارجی کشورها در تلاشند تا ارزش‌ها و هنجارهای داخلی خود را که سازنده هویت جامعه خود است به هنجارها و ارزش‌های جهانی تبدیل نموده و به تدریج در فرهنگ جهانی سهم شونند. در این صورت به دلیل نمود ارزش‌های فرهنگ داخلی در فرهنگ جهانی، سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌توان اهداف و منافع ملی خود را تعقیب نمود. به‌طور کلی در زمینه سیاست خارجی و چگونگی ارتباط آن با قدرت نرم می‌توان سه وظیفه اساسی برای دستگاه سیاست خارجی تصور نمود:

۱- ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی در دیدگاه افکار عمومی بین‌الملل است.

## ۲- کسب پرستیژ بین المللی

### ۳- مدیریت افکار عمومی

این مولفه ها بیشتر در چارچوب مکانیزم های قدرت نرم و به دور از هرگونه سازو کارهای قدرت سخت صورت می گیرد که به نظر می رسد متولی دولتی آن دستگاه سیاست خارجی کشورهاست.

## ۲-۵- مولفه های قدرت فرهنگی در تحلیل سیاست خارجی ایران

همان گونه که ذکر شد عوامل متعددی در ایجاد قدرت نرم کشورها موثر است که هر کدام به نحوی به دور از ابزارها و مولفه های قدرت سخت ارتقای حیثیت و جایگاه یک کشور در عرصه سیاست بین الملل و نظام جهانی می گردد. حال تلاش می شود به برخی از مولفه های قدرت نرم جهت تحلیل جایگاه قدرت فرهنگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی اشاره گردد.

### ۲-۵-۱- فرهنگ و نظام ارزش ها

بخش عمده از عوامل تولید کننده یا تقویت کننده قدرت نرم در یک واحد سیاسی معطوف به حوزه فرهنگ و نظام ارزش ها و هنجارهای فرهنگی است. مانند زبان و ادبیات، موقعیت ایدئولوژیکی و مذهبی، ارزش های متعالی و انسانی، اخلاقیات، قدرت نفوذ باورها و نگرش ها و به طور کلی منش ملی، روحیه ملی، باورها و ارزش های ملی است که جملگی در ذیل مقوله فرهنگ جای می گیرد.

آنچه اهمیت موضوع را در این مولفه افزایش می دهد این است که از آن جا که فرهنگ شامل نظام ارزش ها، هنجارها، اعتقادات و اخلاقیات می شود این انگاره ها و ارزش های فرهنگی نظام ترجیحات و اولویت ها را برای زندگی فردی و اجتماعی معین می سازد، و از سویی دستگاه

سیاست خارجی کشورها هنگام تصمیم گیریها بیشتر براساس ترجیحات و اولویت های فرهنگی عمل می کنند، در نتیجه میزان پتانسیل موجود در انگاره های فرهنگی می تواند جذابیت خاصی را در افکار عمومی جهان ایجاد نموده و از طریق دستگاه سیاست خارجی به راحتی می تواند اهداف و منافع خود را بدون کاربرد زور با کمترین هزینه تعقیب نماید.

### ۳-۵-۲- ارزش ها و مطلوبیت های سیاسی

یکی دیگر از مولفه های تولید کننده یا تقویت کننده قدرت نرم یک کشور جذابیت ارزش ها و مطلوبیت های سیاسی یک کشور است. این مهم می تواند در ارائه تصویرسازی مثبت و مطلوب از یک کشور در سطح افکار عمومی جهان موثر باشد. به طور کلی ایده آل های سیاسی یک کشور می تواند دیگران را به آن جذب و یا دفع نماید و برای نمونه ارزش های لیبرالی مطلوب و ایده آل غرب و یا ارزش های سیاسی اسلامی مطلوب در کشورهای اسلامی می تواند برای سایر واحدهای سیاسی ایجاد جاذبه و یا دافعه نماید. آنچه در این مولفه اهمیت دارد، میزان همسویی ایده آل و مطلوبیت های سیاسی یک کشور با جامعه بین المللی است. هم چنین به میزان توانایی های این ارزش های سیاسی در ساختن رژیم های حقوقی و قانونی بین المللی است که تا چه حد توانسته است مطلوبیت های خود را جهانی و تبدیل به قوانین و مقررات بین الملل نماید.

### ۳-۵-۳- مشروعیت نظام سیاسی

مشروعیت سیاسی در ایجاد و تقویت قدرت نرم کشورها بسیار موثر است. هر چه مشروعیت سیاسی یک کشور در اذهان و افکار عمومی جهان افزایش یابد، میزان همکاری های بین المللی به تناسب توسعه خواهد یافت، زیرا واحدهای سیاسی تنها از طریق همکاری ها، مناسبات و مبادلات فرهنگی فی مابین است که منافع و اهداف یک کشور را شناسایی می کنند. میزان

مشارکت های مردمی نشانگر میزان مشروعیت یک نظام سیاسی است که به سهم خود تاثیر زیادی در افکار عمومی دارد.

## ۲-۶- سازه انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سازه انگاری در تبیین خود از سیاست خارجی به کارکرد منطق شایستگی و تناسب می پردازد. هنجارها به معنای انتظارات مشترک و ارزشی پیرامون رفتار متناسب، متغیر و مستقل تئوری سازه انگاری سیاست خارجی ایران تلقی می شوند. هنجارها به هويت و اولويت های بازیگران شکل داده و اهداف جمعی را تعریف می کنند و بر این اساس به تجویز رفتار مناسب در سیاست خارجی می پردازند. در این جا کوشش می شود با توجه به دو سنت پژوهشی سازه انگاری اجتماعی و سازه انگاری فراملی که در قسمت اول آمده است، سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

سازه انگاری، کنش دولتی را وابسته به جایگاه قدرت یک کشور نمی داند بلکه آن را هدایت شده از سوی هنجارها تلقی می کند، با توجه به این نظریه، فرهنگ اسلامی و ایرانی از طرح گوناگونی بر افراد، نظام، نهادها و رفتارهای سیاسی دستگاه سیاست خارجی ایران تاثیر می گذارد.

ملت ایران به اعتبار ایرانی بودن و ملیت ایرانی و همچنین اسلامی بودن، استعداد های قابل توجهی دارد که این روحیه حماسی موجود در فرهنگ ایرانی و اسلامی محرک شجاعت، امید و پیشرفت است. این روحیه حماسی و هويت ایرانی در امتزاج با اسلام و تشیع پتانسیل جدید و هويت ترکیبی جدیدی به نام فرهنگ و هويت اسلامی-ایرانی را به وجود آورد که موجب تحولات شگرفی در عرصه های مختلف به ویژه پدیده انقلاب اسلامی شد. ظهور این پدیده بسیاری از مناسبات و معادلات جهانی را به چالش کشید. از

جمله نظام و ساختار دوقطبی آن زمان را با انتخاب استراتژی نه شرقی و نه غربی و نیز بسیاری از قوانین و مقررات ناعادلانه بین‌المللی را دگرگون و با آن مخالفت نمود. لذا فرهنگ و هویت اسلامی ایرانی تأثیرات چشمگیری در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی به همراه داشته است.

از این رو در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاره دولت به عنوان یک کنش‌گر اجتماعی در نظام جهانی است و تمرکز بر ارزش‌ها و هنجارهای داخلی و نحوه تعامل آن‌ها با نظام و چگونگی تأثیر آن بر رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی حائز اهمیت است. همان‌گونه که از واژه جمهوری اسلامی پیداست جمهوریت حاکی از شکل نظام سیاسی و اسلامیت محتوای آن را تشکیل می‌دهد. در نتیجه اسلام تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و باورها در عرصه سیاست داخلی و خارجی است که به طور بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است. به عبارت دیگر، هویت اسلامی تعیین‌کننده اهداف، منافع و استراتژی‌های سیاست خارجی ایران است لکن برخی از ارزش‌ها و هنجارهای هویت بخش سابقه‌ای طولانی و ریشه در تمدن ایرانی دارد که به برکت ورود اسلام به این سرزمین از غنای بیشتری برخوردار شد و در نتیجه هویت انسان ایرانی بعد از انقلاب اسلامی ترکیبی از هنجارهای ایرانی و اسلامی است.

## ۲-۷- انقلاب اسلامی، مسئله هویت و تأثیر آن بر روند سیاست خارجی

پدیده انقلاب اسلامی نقش حیاتی در تکوین و بازسازی هویت انسان ایرانی داشته است. با ورود و گسترش ارزش‌ها و هنجارهای لیبرال در ایران، چالش‌های اساسی هویتی را برای سنت و فرهنگ اسلامی - ایرانی بوجود آورد. انقلاب اسلامی ضمن تأکید بر اهمیت توجه به امور مادی، با اندیشه‌های صرفاً مادی‌گرای غربی به مقابله برخاست و با احیای ارزش‌های اسلامی

در صدد بازسازی هویت انسان مسلمان ایرانی برآمد. از این رو انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی است. هویت جدید ایرانی برآمده از انقلاب اسلامی در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی خود را به خوبی نشان داد، طرح شعار استقلال - آزادی، جمهوری اسلامی تجلی هویت جدید انسان ایرانی است، که می خواهد بر سرنوشت خویش حاکم و سلطه بیگانگان را قطع نماید. سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز از این مهم مستثنا نبود، زیرا با اتخاذ استراتژی نه شرقی - نه غربی در صدد نفی سلطه و نفوذ بیگانگان در تمامی ابعاد به ویژه در قلمرو فرهنگ برآمد.

بنابراین، بحران هویت و معنایی که به دلیل انتشار نرم ها و ارزش های سکولار غربی در جامعه ایرانی ایجاد شده بود، ارشادات برآمده از تعالیم الهی حضرت امام خمینی (ره) خود تبدیل به فرصت جهت احیای هویت اصیل اسلامی - ایرانی گشت. هر چند دشمنان انقلاب تلاش نمودند از طریق ایجاد شکاف بین نسل اول و نسل دوم و سوم انقلاب، هویت برآمده از انقلاب اسلامی را به چالش کشیده و ارزش ها و فرهنگ غرب را از طریق فرآورده های فرهنگی حاکم نمایند، لکن گفتمان هویتی انقلاب اسلامی با سیاست های فرهنگی به شدت در مقابل این تهدیدات به مبارزه برخاست.

به علاوه در دهه اول انقلاب اسلامی با تمامی تهدیداتی که متوجه آن بود، به دلیل محتوای هویتی غنی برآمده از تعالیم الهی و نیز روحیه انقلابی خود، طرح صدور انقلاب را مطرح نمود. تاکید بر صدور انقلاب حکایت از این مقوله داشت که گفتمان هویتی انقلاب اسلامی هویتی فراملی و در تضاد با ملت گرایی است و در این گفتمان، هویت اسلامی برتر از هویت ملی و در برگیرنده آن می باشد. صدور انقلاب نشان می دهد که انقلاب اسلامی دارای ماهیتی جهانی است بنابراین می توان گفت: انقلاب اسلامی ایران هویت جدیدی را



در کالبد انسان ایرانی دمید به طوری که محتوای این هویت، شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ایران» متجلی است. (پوراحمدی، پیشین: ۳۴۶).

از سویی با پیروزی انقلاب اسلامی مذهب و ارزش‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای یافته و به عنوان زبان قدرت سیاسی معرفی شد. چنین درکی از اسلام که معتقد به پیوند دین و سیاست بوده تا جایی که امام خمینی (ره) حکومت را فلسفه عملی تمامی فقه دانستند به آسانی توانست در افکار عمومی جهان اسلام به ویژه در منطقه خاورمیانه و در بین جنبش‌های آزادی بخش منزلتی خاص پیدا کند. بیشترین تاثیر انقلاب اسلامی در حوزه سیاست خارجی در منطقه خاورمیانه خود را نشان داد، زیرا از لحاظ فرهنگی و مذهبی دارای اشتراکات زیادی با جمهوری اسلامی بودند. هم چنین انقلاب اسلامی، دولت‌های حاکم بر این کشورهای همسایه را فاقد مشروعیت اسلامی دانسته و از جنبش‌های رهایی بخش حمایت می‌کرد. (رمضانی، ۱۳۷۸: ۶۷)

## ۲-۸- بررسی مولفه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

همان گونه که در قسمت اول ذکر گردید برخی از منابع قدرت نرم در سیاست خارجی عبارتند از: فرهنگ و نظام ارزشها، مطلوبیت‌های سیاسی، مشروعیت نظام سیاسی و سیاست‌های یک کشور. حال در این قسمت تلاش می‌شود این مولفه‌ها را در سیاست خارجی ایران بررسی نمایم.

### ۲-۸-۱- فرهنگ و نظام ارزش‌ها

جمهوری اسلامی می‌تواند از زبان فارسی برای جذب دیگر ملت‌ها استفاده نماید. در عین حال که گویش گران به زبان فارسی در جهان به صورت کلی تنها در ایران، افغانستان و تاجیکستان هستند لکن در برخی از کشورهای دیگر نظیر عراق، ترکیه، ازبکستان، پاکستان و هند گروهی از مردم به زبان فارسی سخن می‌گویند.

بنابراین، نفوذ زبان فارسی در پهنه جهانی قابل انکار نیست. چه این زبان به راحتی در زبان های نزدیک به آن مثل ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی، سواحیلی و... نفوذ کرده است. هم چنین سنت ها، آداب و رسوم تاریخی ایرانی، ارزش های اخلاقی و انسانی موجود در فرهنگ اسلامی ایرانی نیز مظهر قدرت نرم جمهوری اسلامی است که از جذابیت خاصی به دلیل قرابت فرهنگی با همسایگان برخوردار است.

## ۲-۸-۲- ارزش ها و مطلوبیت های سیاسی

ارزش های سیاسی در یک کشور از جمله منبع قدرت فرهنگی (نرم) درسیاست خارجی است. برای مثال دفاع از جنبش های آزادی بخش، مبارزه با استکبار جهانی، نفی اقتدار ابرقدرت ها، حمایت از ملت های مستضعف جهان، جزء ارزش ها و مطلوبیت های سیاسی انقلاب اسلامی است که از یک سو برای ملت های مظلوم جهان از جذابیت خاصی برخوردار بوده و به عنوان یک منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی تلقی می شد، بنابراین مطلوبیت ها و ارزش های سیاسی معطوف به انقلاب اسلامی، نه با زور و اجبار، بلکه تنها از طریق آشنا سازی دیگر ملت ها با شیوه های مسالمت آمیز روز به روز تاثیرات شگرفی در اذهان و افکار عمومی جهان بر جای می گذارد، که این مهم خود باعث کسب قدرت فرهنگی و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی می گردد. ارزش های سیاسی دیگری که می تواند در سطح جهانی مطرح شود می توان به مردم سالاری دینی، انتخابات های متعدد، نقش زنان در جامعه، رشد نهادها و سازمان های غیر دولتی و... اشاره کرد. در مجموع با توجه به ارتباط وثیقی که بین قدرت نرم (فرهنگی) و سیاست خارجی جمهوری اسلامی وجود دارد، می توان دریافت که دستگاه سیاست خارجی در سه وظیفه اصلی در این حوزه یعنی ارتقای مشروعیت نظام در سطح بین الملل، کسب پرستیژ بین

المللی و مدیریت افکار عمومی تلاش‌های زیادی انجام داده است لکن هنوز با آنچه مطلوب نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است فاصله زیادی دارد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در زمینه‌های ذیل فعال باشد:

- ایجاد تصویری مثبت از ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ جهانی؛
- ارائه تصویری مثبت و مبتنی بر ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی؛
- تصویرسازی از تلفیق فرهنگ ایرانی با اندیشه اسلامی؛
- تبلیغ و ترویج سنت‌ها، باورها، ایستارها و مظاهر باستانی، خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ عمومی ایرانیان به مردمان سایر کشورها.

## ۲-۹- روح معنویت، تعبد و توحید

دین‌داری بر محور یکتاپرستی، در ایران قدمتی به اندازه تاریخ این سرزمین دارد. در واقع دین‌باوری یعنی همانا اعتقاد داشتن به مرکزیت خدایی که همه جا حاضر است، همیشه با فرهنگ ایرانی همراه بوده است. معنویات و عبادت رکن اصلی حیات فردی و اجتماعی، و عبادتگاه‌ها و مساجد، کانون انسجام بخش آنان بوده است. ارکان فرهنگ ایرانیان همچون علم، عرفان، شعر و مظاهر آنها، خصوصاً در معماری و دیگر میراث فرهنگی و هنری، نماد و نشانه تعالی روح پرستش توحیدی این ملت در طول تاریخ است. شاعران، هنرمندان، فیلسوفان و ارباب معرفت و اصحاب حوزه‌های علمی و فرهنگی نیز آیه‌های روشن حقایق تعبد و معنویت ایران هستند. همگرایی ایرانیان با بسیاری دیگر از ملل و اقوام جهان در زمینه پرستش خداوند باعث شده تا نوعی احساس اعتماد میان آنها شکل گیرد.

## ۲-۱۰- اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مودت اهل بیت (ع)

بیش از هزار سال است که اسلام آیین مشترک همه گروه‌ها و اقوام ایرانی به شمار می‌آید، به گونه‌ای که اعتقاد و وفاداری به آموزه‌های اسلامی، بخش بزرگی از تاریخ طولانی این کشور را به خود اختصاص داده است. از این رو دین اسلام، عنصر برجسته هویت ملی ایرانیان تلقی می‌شود. مذهب شیعه نیز نقش بسزایی در شکل دهی هویت ایرانی در طول تاریخ داشته است. اکنون نیز مذهب شیعه می‌تواند نقش حیاتی در تامین استقلال ملی و اعتلای جایگاه بین‌المللی ایران ایفا کرده و به یاری این مذهب و نمادهای فرهنگی آن همچون عاشورا می‌توان به دور از هرگونه زور و اجبار به پرورش مکارم اخلاقی در میان جوانان ایرانی پرداخت.

جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از هفتاد و پنج میلیون نفر مسلمان (۹۸ درصد) که از این میزان، ۸۹ درصد شیعه و ۹ درصد سنی هستند، یکی از کشورهای بزرگ، پرجمعیت و تاثیرگذار اسلامی است. در این میان، منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه با حضور ۱۵ کشور، بیشترین قرابت مذهبی را با جمهوری اسلامی ایران داراست.

حضور بیش از یک میلیارد و سیصد هزار مسلمان و دویست هزار شیعه در خارج از مرزهای کشور، فرصتی است برای جمهوری اسلامی ایران تا با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های هم‌کیشان و هم‌آیین‌های خود در سرتاسر جهان، بر قدرت نرم خود بیافزایند. همچنین از آنجا که ورود اسلام به ایران از یک جهت مهر تاییدی بر فردیت عارفانه و تساهل جمعی گذاشت. و از سوی دیگر رهبران دینی ندای عدالت، حاکمیت، مالکیت جامعه و آزادی فخر و ستم سر دادند. توانستند به عنوان عنصر بارز و تعیین‌کننده در ترکیب هویت ملی توده‌های محروم و ستم‌دیده عمل کند. تاکید بر جنبه‌هایی این چنین از دین

اسلام و مذهب تشیع، می‌تواند منبعی مهم و تاثیرگذار برای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به مثابه ام‌القرای اسلام و کانون تشیع محسوب شود (ولایتی، ۱۳۸۶: ۵۱).

### ۳-۱۱- نظریه مردم‌سالاری

مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تجربه مردم‌سالاری دینی هست که دارای مولفه‌هایی است که نه تنها در داخل بسیاری از مشکلات کشور را حل کرده است، بلکه در خارج از کشور نیز توانست بر ذهن و افکار دیگران تاثیر بگذارد و به عنوان مدل الگویی برای حل مشکلات دیگر کشورها، و به ویژه خاورمیانه، مد نظر نخبگان و عموم قرار گیرد.

### ۲-۱۲- ارزش عدالت‌طلبی

فرهنگ عدالت‌طلبی نیز از دیگر مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. اجرای عدالت از مهم‌ترین اهداف اساسی بعثت پیامبران و حکومت صالحان هست که در بسیاری از آیات و روایات و سیره عملی معصومین به صورت بنیادین مطرح شده است.

بنابراین با عنایت به مبانی دینی ارزش اجرای عدالت، یکی از مولفه‌های اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تاکید بر اجرای عدالت و مقابله با فقر و فساد و تبعیض به عنوان یکی از اهداف و وظایف دولت اسلامی محسوب می‌شود، که با اهداف و وظایف نظام‌های سیاسی موجود در قرن بیستم در تمایز می‌باشد.

### ۳-۱۳- اصول استقلال و آزادی

یکی دیگر از مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌های تفکیک‌ناپذیر آزادی خواهی و استقلال‌طلبی می‌باشد. تفکر مقابله با سلطه جهانی و دست‌یابی به استقلال در ابعاد مختلف آن برآمده از اصل نفی سبیل و واصل تولی و تبری است که ریشه در آیات قرآنی

دارد که در آن‌ها وابستگی به هر شکلی مردود اعلام شده است: در سوره نساء آیه ۱۱۴، «هیچگاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مومنین قرار نداده است». مسلمانان را از اینکه دوستی و ولایت غیر مسلمان را بپذیرند سخت برحذر داشته است.

اصل آزادی نیز حق فطری همه انسان‌هاست و دارای منشایی الهی و توحیدی است، که کلام سرور آزادگان جهان «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» (لا تکن عبد غیرک فقد جعلک الله حراً) (نهج البلاغه: نامه ۳۱) مشعر بر آن می‌باشد. قرآن کریم نیز در سوره اعراف، آیه ۱۵، یکی از اهداف بعثت انبیای الهی را آزادی انسان‌ها از قید و بندها می‌داند و از دوش آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است برمی‌دارد. و بر آزادی بیان افراد مخالف با حکومت و دخالت در امور جامعه تاکید کرده است.

### ۳-۱۴- رهبر مقتدر

رهبری مقتدر در جامعه ما به عنوان مولفه مهم قدرت نرم از عمق توده‌ها و از درون نخبگان دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخاسته است و به ایده‌های تئوریک و عملی مطلع و به گروه‌ها و احزاب، اصناف و توده‌های مردمی شهری و روستایی آشنا می‌باشد. و براساس قانون اساسی و با علاقه خاص مردمی، انتخاب و تأیید می‌گردد و کارشناسان دینی و سیاسی (خبیرگان رهبری) بر کارآمدی آن نظارت مستقیم و دائم دارند.

بنابراین می‌توان گفت که رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران مشروع، مقتدر، قانونی و مردمی می‌باشد. رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران در راس هرم حکومت قرار دارد و بر قوای سه‌گانه حکومتی نظارت مستقیم داشته و سکان سیاست‌های کلی و تصمیم‌گیری‌های نهایی نظام را به عهده دارد و از جهتی دیگر هدایت و فرماندهی کل نیروهای مسلح را برابر با اصل یکصد و دهم قانون اساسی عهده دار می‌باشد. روحیه قوی، سلامت و صلابت،

تدبر و مدیریت، شجاعت و شهامت، در نظام جمهوری اسلامی ایران از ویژگی های رهبر نظام محسوب می شود که می توان با این خصوصیات نیرو، انرژی و صلابت را به جامعه و نیروهای تحت امر مستقیم و غیر مستقیم خود تزریق نماید و جامعه در پرتو نگرش و راهبرد آن جایگاه و مقام در برابر تهدیدات، خطرات و صدمات داخلی و خارجی مقاوم و آماده مبارزه نماید. در حقیقت می توان گفت رهبری در جامعه ما در حکم یک روح و یک کلیت به شمار می آید که به لایه های متعدد جامعه امید، توان، شهامت و توانایی می بخشد. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۷۴)

### نتیجه گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران در طول حیات ۴۰ ساله خویش، بسیاری از ابزارهای قدرت نرم یک تمدن عظیم ایرانی - اسلامی را تعیین، تعریف (گاهی نیز بازتعریف) و مورد بهره برداری قرار داده است. با نگاهی به محورهای بالا می توان ادعا نمود که نظام جمهوری اسلامی ایران در برخی از مولفه های مذکور، حوزه مناسبی را پوشش داده و با فعالیتی مداوم و هدفمند، توانسته اقتدار نرم خود را در آن حوزه ها ارتقا دهد و در برخی دیگر از جنبه ها نیز از ابتدا و یا در میانه راه ضعیف عمل نموده و نتوانسته است از ظرفیت های موجود در آن خصوص بهره لازم را برای تاثیرگذاری بر کشورهای دیگر ببرد. عناصری همچون کارآمدی دیپلماسی عمومی، میزان تعامل مثبت با سازمان های بین المللی، شیوه برخورد با موضوعات مهم جهانی، حجم ارتباطات دیپلماتیک مطبوع، عکس العمل مناسب در برابر مسائل تضعیف کننده داخلی و خارجی و همچنین حجم میزبانی سازمان های بین المللی، کنفرانس ها و نمایشگاه ها می توانند شاخص های مناسبی در راستای ارزیابی میزان موفقیت یا شکست مولفه های سیاسی قدرت نرم

جمهوری اسلامی ایران به حساب آیند. بنابراین تقویت مؤلفه های قدرت نرم ایران و استفاده از مزایای آن در کنار توجه و پاسداشت عناصر دینی، تاریخی و سنتی هویت ملی ایران، اثربخشی بیشتر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در منطقه خاورمیانه و سطح بین المللی در پی خواهد داشت؛ آنچه مهم است آنست که به نظر می رسد ضعف ایران در این حوزه، تا حدی به نوع مدیریت، برنامه ریزی و میزان اهتمام به تقویت عرصه های نرم نفوذ در افکار عمومی و هیئت های حاکمه کشورهای جهان باز می گردد. یقیناً در صورت اصلاح و تقویت این ارزشها، وضعیت ایران در چانه زنی ها و صف بندی های سیاسی در سطح بین المللی به مراتب ارتقا خواهد یافت. بر این اساس با سرمایه گذاری جدی روی مؤلفه های قدرت نرم و پذیرش مسئولیت هایی که توفیق آنها در گرو غلبه بر ساختارهای بینالادّهانی نامطلوب و ایجاد تقارب بینالادّهانی و بهره مندی از قدرت نرم است، می توان سبک و سیاق سیاست خارجی مطلوب جمهوری اسلامی ایران را با هزینه کم و منافع بسیار بهبود بخشید.



## منابع

- ۱) آذر، ادوارد و چونگ، این مون (۱۳۷۹). امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲) آکسفورد، باری (۱۳۷۸). نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۳) ایزدی، بیژن (۱۳۸۶). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.
- ۴) بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: نشر طلوع.
- ۵) بیات، محمود (۱۳۸۵). دیپلماسی دیجیتالی: پژوهشی در تحولات دیپلماسی معاصر، تهران: وزار امور خارجه
- ۶) بیگی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۷) بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین المللی در عصر نوین، ترجمه قاسم راه چمنی و دیگران، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- ۸) پوراحمدی، حسین (۱۳۸۵). «امانی امنیت نرم افزاری در اقتصاد سیاسی جهانی»، فصلنامه راهبردی دفاعی، شماره ۱۲.
- ۹) پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: بوستان کتاب.
- ۱۰) تراسی، دیوید (۱۳۸۲). اقتصاد و فرهنگ، تهران: نشر نی.
- ۱۱) دهکردی، علی (۱۳۸۰). «سازنده گرایی در سیاست خارجی»، مجله راهبرد.
- ۱۲) روزنامه ایران، «قدرت نرم ایران در برابر تهدیدات نرم امریکا»، ۱۲ مرداد ۱۳۸۷.
- ۱۳) ستوده، محمد (۱۳۸۵). تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.
- ۱۴) سریع القلم، محمود (۱۳۸۰). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش های خاورمیانه.
- ۱۵) سیمبر، رضا (۱۳۸۵). «کار ویژه های دیپلماسی مدرن در روابط بین الملل»، مجله سیاست خارجی، تابستان.
- ۱۶) ضیائی پور، حمید (تدوین) (۱۳۸۳). جنگ نرم ۲، تهران: موسسه ابزار معاصر.
- ۱۷) فولر، گراهام (۱۳۷۴). قبله عالم: ژئوپولیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- ۱۸) قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها، تهران: سمت.
- ۱۹) کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴). عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه ای، جلد ۱، ترجمه احمد علی قلی یان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- ۲۰) کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی روابط بین الملل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۱) گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲۲) ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- ۳۳) مشیوزاده، حمیرا (۱۳۸۴). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت.
- ۴۴) مهدی زاده، اکبر (۱۳۹۰). «به کارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی چین در قبال آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۵، پاییز.
- ۵۵) موسوی شفقایی، مسعود (۱۳۸۷). توسعه گرایی: الزام سیاست خارجی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۶۶) مولایی، یوسف «دیپلماسی پنهان»، روزنامه شرق، ۵ آبان ۱۳۸۲.
- ۷۷) نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۸۸) نای، جوزف (۱۳۹۰). آینده قدرت، ترجمه رضا مراد صحرایی، تهران: انتشارات حروفیه.
- ۹۹) نصری، قدیر (۱۳۸۵). قدرت سخت و قدرت نرم: مبانی، ابعاد و منابع، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰۰) نقیب زاده، احمد (۱۳۸۱). تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱) هرسیج، حسین (۱۳۸۹). «تاثیر مولفه های مدیریت ساز ایرانی بر قدرت نرم ایران»، تحقیقات فرهنگی، شماره ۹، بهار.
- ۲) واستون، آدام (۱۳۸۵). دیپلماسی: گفت و گو میان دولتها، ترجمه داود آقایی و لیلی گل افشان، تهران: نسل نیکان.
- ۳) ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۶). پویائی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.
- 34) Barnett, Michael and Raymond Duvall (eds). power in Global Governance, New York: Cambridge University Press.
- 35) Barston, R.P (2006). Modern Diplomacy, London: pearson Education.
- 36) Clark, Ian (1997). Globalization and Fragmentation oxford: oxford university press.
- 37) Mingst, Karen (2003). Essentials of International Relations, New York: Norton and company.
- 38) viotti, Oaul (1999). International Relations The ory, Boston: Allyn and Bacon.